

مجموعه اشعار

استاد محمد حسین شهریار

(۱)



مؤسسه انتشارات نگاه

تاسیس: ۱۳۵۲

فهرست

<p>۱۰۴..... خیک نفت</p> <p>۱۰۵..... علی آباد.....</p> <p>۱۰۵..... میگون.....</p> <p>۱۰۶..... ریحانه یا کبوتر حرم.....</p> <p>۱۰۷..... غزاله صبا.....</p> <p>۱۰۷..... به گلشن آزادی.....</p> <p>۱۰۸..... حالا چرا.....</p> <p>۱۰۸..... بلکه بیاریم یار را.....</p> <p>۱۰۹..... ماه مهمان نواز.....</p> <p>۱۱۰..... صبح پیاله.....</p> <p>۱۱۰..... عُمَر دوباره.....</p> <p>۱۱۱..... قمر.....</p> <p>۱۱۲..... شیراز.....</p> <p>۱۱۲..... نالهٔ روح.....</p> <p>۱۱۳..... شادباش عید.....</p> <p>۱۱۳..... تهران و یازان.....</p> <p>۱۱۴..... ارباب زمستان.....</p> <p>۱۱۵..... بازگشت وطن.....</p>	<p style="text-align: center;">مقدمه ها</p> <p>۲۹..... سخن ناشران.....</p> <p>۳۴..... بیوگرافی استاد شهریار.....</p> <p>۵۳..... شرح یکی از غزل های شهریار.....</p> <p>۵۸..... برای خوانندگان عزیز.....</p> <p>۶۲..... مقدمه.....</p> <p>۷۱..... سبک و مکتب های شعر ایران.....</p> <p>۸۸..... تدوین کلیات اشعار شهریار.....</p> <p style="text-align: center;">غزلیات</p> <p>۹۷..... مناجات (۱).....</p> <p>۹۸..... مناجات (۲).....</p> <p>۹۹..... مکتب حافظ.....</p> <p>۱۰۰..... یادی و استقبالی از صائب.....</p> <p>۱۰۱..... آغوش ماه.....</p> <p>۱۰۱..... شبنمای سنگرها.....</p> <p>۱۰۲..... بلبل در قفس.....</p> <p>۱۰۳..... دختر ترسا.....</p>
--	--

۳۳۵.....	وداع می‌کده و مرگ قلندری.....	۳۱۹.....	بیش ماندم خوار گشتم.....	۳۰۰.....	فضولی با تقدیر.....	۲۷۹.....	جویبار عمر.....
۳۳۶.....	«سایه».....	۳۱۹.....	تحول.....	۳۰۱.....	مکتب شاپور.....	۲۷۹.....	ضلع جهانی.....
۳۳۷.....	شهریار خود باشم.....	۳۲۰.....	عشق مادرزاد.....	۳۰۲.....	صیرفی روزگار.....	۲۸۰.....	روزه شکن.....
۳۳۷.....	نگین جم.....	۳۲۱.....	سرو بارآور.....	۳۰۲.....	به یاد تهران.....	۲۸۱.....	تار شهناز.....
۳۳۸.....	چه می‌کشم!.....	۳۲۲.....	بخت خفته و دولت بیدار.....	۳۰۳.....	سرمی شکنند دیوارش.....	۲۸۱.....	آن دارد یار.....
۳۳۸.....	دیگ جوش.....	۳۲۳.....	حراج عشق.....	۳۰۴.....	صلای شهادت.....	۲۸۱.....	شهیار من.....
۳۳۹.....	به مرغان چمن.....	۳۲۳.....	لاله سیراب.....	۳۰۵.....	دولت جاوید.....	۲۸۲.....	دفتر دوران.....
۳۴۱.....	زیان شهرت.....	۳۲۴.....	روح قدس.....	۳۰۵.....	قاصد و مقصود.....	۲۸۲.....	سلطنت فقر.....
۳۴۲.....	حجاز به آهنگ جاز.....	۳۲۵.....	سرخ‌خط قرآن.....	۳۰۶.....	درویش و تقشیش؟.....	۲۸۳.....	سراب عمر.....
۳۴۲.....	طایر جان.....	۳۲۵.....	نالۀ ناکامی.....	۳۰۷.....	داغ حبیب.....	۲۸۴.....	عمر گریزان.....
۳۴۲.....	(صفای چشمه جان).....	۳۲۶.....	بیشه عشق.....	۳۰۷.....	انتقام عشق.....	۲۸۴.....	یک مشکل و دو آسان.....
۳۴۳.....	شاهد و شباب.....	۳۲۶.....	در بازگشت به تبریز.....	۳۰۸.....	توت بی دانه.....	۲۸۶.....	تاج فقر.....
۳۴۴.....	گهواره لحد.....	۳۲۷.....	خمار انتظار.....	۳۰۸.....	حافظ خداحافظ.....	۲۸۷.....	نکویی کن و در آب انداز.....
۳۴۴.....	خلوتی با خواجه.....	۳۲۷.....	دوست ندیدم.....	۳۰۹.....	شمع ما چراغ دل است.....	۲۸۷.....	سیاه مشق سایه.....
۳۴۵.....	مشق جدایی.....	۳۲۸.....	شیخون غم.....	۳۱۰.....	بال عشق و همت.....	۲۸۸.....	ای شیراز.....
۳۴۵.....	طوطی مسکین.....	۳۲۸.....	شهریار و دهقان.....	۳۱۰.....	شهید عشق.....	۲۸۹.....	به یاد فرزندی هنرمند.....
۳۴۶.....	یک رویای صادق.....	۳۲۹.....	تذیب و تهذیب.....	۳۱۱.....	مهر و ماه.....	۲۹۰.....	اشک پردگی.....
۳۴۷.....	چشمه قاف.....	۳۲۹.....	شمع سیه روز.....	۳۱۲.....	کنج انزوا.....	۲۹۱.....	به یاد همسر.....
۳۴۷.....	توتیا.....	۳۳۰.....	سایه ماه.....	۳۱۲.....	شاهد چنگی.....	۲۹۲.....	به یاد استاد فرخ.....
۳۴۸.....	کاروان شوق.....	۳۳۰.....	تویی حافظ؟.....	۳۱۳.....	ساز فراموش.....	۲۹۳.....	سینمای خزان.....
۳۴۹.....	چراغان دل‌ها.....	۳۳۱.....	سر و سودا.....	۳۱۴.....	غنای غم.....	۲۹۴.....	خزان.....
۳۵۰.....	حرم قدس.....	۳۳۱.....	توشه سفر.....	۳۱۴.....	صاحب دارد این دل.....	۲۹۵.....	مکتب عبرت.....
۳۵۰.....	ساز عبادی.....	۳۳۲.....	باد آورد و برد.....	۳۱۵.....	ماه غسل.....	۲۹۶.....	جمال کعبه.....
۳۵۱.....	یاد رفتگان.....	۳۳۲.....	گوهر فروش.....	۳۱۶.....	ظالم بلا.....	۲۹۶.....	کرجی‌های ارس.....
۳۵۲.....	غزال و غزل.....	۳۳۳.....	راهی به جنت.....	۳۱۶.....	مبادی و غایات.....	۲۹۷.....	گله عاشق.....
۳۵۲.....	عهد قدیم.....	۳۳۴.....	در کوچه باغات شمran.....	۳۱۷.....	شمع طوفان.....	۲۹۷.....	افسانه روزگار.....
۳۵۳.....	من و ماه.....	۳۳۴.....	ای نظامی بچه.....	۳۱۷.....	یاران دغل.....	۲۹۹.....	هوس بس.....
۳۵۳.....	وحشی شکار.....	۳۳۴.....	بگذار بمیرم.....	۳۱۸.....	هجران کشیده‌ام.....	۲۹۹.....	انسان باش.....
۳۵۴.....	راهی به سموات.....	۳۳۵.....	ولای امیر.....	۳۱۸.....	زندان زندگی.....	۳۰۰.....	لطف‌آله.....

جلال عزیز.....	۸۳۳	سلام بر حیدریابا.....	۱۰۳۴
کاسه فقر.....	۸۳۶	راهنمای حیدریابا.....	۱۰۴۷
		مکتب شهریار	
راز و نیاز.....	۸۳۹	شکر نعمت.....	۱۰۶۱
سرنوشت عشق.....	۸۴۸	بنفشه خاطر نواز.....	۱۰۶۱
دو مرغ بهشتی.....	۸۴۹	نهان و عیان.....	۱۰۶۳
پیام به انشتن.....	۸۶۳	در کوزه.....	۱۰۶۳
شاهد شعر.....	۸۶۶	تنبیه نادر.....	۱۰۶۴
ای وای مادرم.....	۸۶۸	عیب من.....	۱۰۶۴
قهرمانان استالینگراد.....	۸۷۵	در جستجوی پدر.....	۱۰۶۵
مقدمه برای قطعه (مومیایی).....	۸۸۲	شاعر خسته.....	۱۰۶۶
مومیایی.....	۸۸۵	سرباز گمنام.....	۱۰۶۶
زفاف شاعر.....	۸۹۲	ندای حق.....	۱۰۶۷
مناجات (۳).....	۸۹۴	علی و دنیا.....	۱۰۶۷
هذیان دل.....	۸۹۶	دو پرده.....	۱۰۷۱
سرود راه آهن.....	۹۰۸	حمال دنیا.....	۱۰۷۵
شیون شهریور.....	۹۱۰	نردبان حیات.....	۱۰۷۶
دختر آسمان.....	۹۱۱	روزن نجات.....	۱۰۷۶
اهریمن جهل.....	۹۱۴	بلبل و زاغ.....	۱۰۷۷
تخت جمشید.....	۹۱۵	داغ همسر.....	۱۰۷۷
افسانه شب.....	۹۳۵	نقش شیطان.....	۱۰۷۸
سنفونی کوهستان.....	۹۴۳	مزار سنتور.....	۱۰۷۹
یک شب خاطره.....	۹۴۸	کوره کیمیا.....	۱۰۷۹
سنفونی دریا.....	۹۷۶	جنگ جهانی.....	۱۰۸۰
نقاش.....	۹۸۹	شعر کلاسیک.....	۱۰۸۰
پیام دانوب به جامعه بشر.....	۹۹۸	جمع تنها.....	۱۰۸۱
فردوسی.....	۱۰۰۷	نان به بهای جان.....	۱۰۸۱
سلام بر حیدریابا.....	۱۰۱۳	فرهنگ ما.....	۱۰۸۱

قطعات

دامن نجات.....	۱۰۸۲	پیک وفا.....	۱۰۹۷
ساز (عبادی) و خاطره هایش.....	۱۰۸۲	به نعل و به میخ.....	۱۰۹۸
مقام ولایت.....	۱۰۸۳	مادر.....	۱۰۹۸
جواب نامه دوم مینو.....	۱۰۸۳	گل وحشی.....	۱۰۹۸
سواد عمر.....	۱۰۸۴	درس اخلاق.....	۱۰۹۹
خاطره پروانه.....	۱۰۸۴	بادنجان بد آفت ندارد.....	۱۱۰۰
تقریظ برای دیوان ملک حجازی قلمز.....	۱۰۸۵	مرگ سقراط.....	۱۱۰۱
نوشدارو.....	۱۰۸۶	انتحار حبیب.....	۱۱۰۱
مجلس درس نبی.....	۱۰۸۷	پری.....	۱۱۰۲
کودک و خزان.....	۱۰۸۷	شیرین دهنان.....	۱۱۰۲
هوالعزیز.....	۱۰۸۷	سایه درخت.....	۱۱۰۳
رجز می خواندی.....	۱۰۸۸	سد بلا.....	۱۱۰۳
قضا هست و قضا نیست.....	۱۰۸۸	شاهکار خلقت.....	۱۱۰۳
مرغ پریده.....	۱۰۸۸	داغ بیژن.....	۱۱۰۴
شوخی.....	۱۰۸۹	بی نیازی.....	۱۱۰۴
مرغ پر شکسته.....	۱۰۹۰	اندیشه و آرزو.....	۱۱۰۵
آیین تزویج در اسلام.....	۱۰۹۱	یادی از گلشن.....	۱۱۰۶
بهشت گمشده.....	۱۰۹۲	در انتظار شنبه.....	۱۱۰۶
ثروت جوانی.....	۱۰۹۳	میوه بر شاخ بلند.....	۱۱۰۷
همه اوست.....	۱۰۹۳	کوزه تهمت.....	۱۱۰۷
توشه.....	۱۰۹۳	پیکار بای سوادی.....	۱۱۰۸
کارنامه زندگی.....	۱۰۹۴	کاردان.....	۱۱۰۹
برگشت جاهلیت.....	۱۰۹۵	دختری کورگدایی می کرد.....	۱۱۰۹
شهید.....	۱۰۹۵	خرت به چند!؟.....	۱۱۱۰
گل جاوید.....	۱۰۹۶	فرق دریا.....	۱۱۱۰
آفت قمار.....	۱۰۹۶	لکنت زبان.....	۱۱۱۰
جوال نخوت.....	۱۰۹۶	بد و خوب.....	۱۱۱۰
به خواهش دخترم شهرزاد.....	۱۰۹۷	معراج محمد (ص).....	۱۱۱۱
آواز ایرج.....	۱۰۹۷	اشک مریم.....	۱۱۱۳

چه جای من که بر این صحنه کوه‌های بلند
بر این مقرنس فیروزه تا ابد مسحور
به تار چنگ نواسنج من گره زده‌اند
بر آستان خود این دلشکستگان دریاب
دل شکسته من گفت شهریارا بس

مناجات (۲)

به صف ستاده تماشای سینمای تو را
ستاره سحری چشم سرمه‌سای تو را
فداست طره زلف گره‌گشای تو را
که آستین بفشانند ماسوای تو را
که من به خانه خود یافتم خدای تو را

که به ماسوا فکندی همه سایه هما را
به‌علی شناختم من به خدا قسم خدا را
چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را
به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
که علم کند به عالم شهدای کربلا را
چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
که ز کوی او غباری به من آر، توتیا را
چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل صبا را
که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را
که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»
غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری، ارنه دوزخ
بروای گدای مسکین در خانه علی زن
به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب
چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
به دو چشم خونفشانم هله‌ای نسیم رحمت
به امید آن که شاید برسد به خاک پایت
چو تویی قضای گردان، به دعای مستمندان
چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم
«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
ز نوای مرغ یاحق بشنو که در دل شب

مکتب حافظ

گذار آرد مه من گاه‌گاه از اشتباه اینجا
فدای اشتباهی کآرد او را گاه‌گاه اینجا
مگر ره گم کند کو را گذار افتد به ما یارب
فراوان کن گذار آن مه گم کرده راه اینجا
کله جا ماندش اینجا و نیامد دیگرش از پی
نیاید فی‌المثل آری گرش افتد کلاه اینجا
نگویم جمله با من باش و ترک کامکاران کن
چو هم شاهی و هم درویش گاه آنجا و گاه اینجا
هوای ماه خرگاهی مکن ای کلبه درویش
نگنجد موبک کیوان شکوه پادشاه اینجا
شبی کان ماه با من بود می‌گفتم کلیند سبب
به چاه افکنده‌ایم امشب که در بند است ماه اینجا
ندانستم که هم از نیمه شب تازد برون خورشید
که نگذارد ز غیرت ماه را تا صبحگاه اینجا
تویی آن نوسفر سالک که هر شب شاهد توفیق
چراغت پیش پا دارد که راه اینجا و چاه اینجا
به کوی عشق یا قصر شهان یا کلبه درویش
فروغ دوست می‌خواهی تو خواه آنجا و خواه اینجا
بیاکز دادخواهی آن دل نازک نرنجانم
کدورت را فراموش کرده با آینه آه اینجا
سفر مپسند هرگز شهریار از مکتب حافظ
که سیر معنوی اینجا و کنج خانقاه اینجا